



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۰۹/۲۹

جليل غنی هروی

هنر افغانستان در عرصه تاریخ

"هنر افغانستان در عرصه تاریخ" عنوان اثری است گرانبها و بی نظیر که جناب حامد نوید نویسنده پر توان و پژوهشگر ژرفنگر آثار باستانی و تاریخ هنر افغانستان، در دو جلد نوشته اند که خوشبختانه جلد اول آن تازه به زیور طبع آراسته شده و در خدمت علاقمندان قرار گرفته است. این اثر که روز پنجشنبه در شمال کالیفرنیا در یک محفل با شکوه رونمایی شد، با قطع و صحافت عالی در 360 صفحه با تصاویر عالی و کم نظیر از آثار گرانبهای که در نقاط مختلف افغانستان کشف و قدامت بعضی از این آثار به بیش از ده هزار سال میرسد، مزین گردیده است. نشر این اثر را به جناب نوید و شیفتگان تاریخ هنر و گذشته با عظمت کشور ما، تبریک عرض کرده و موفقیت های مزید استاد نوید را در راه خدمت به فرهنگ غنامند و تاریخ پر افتخار کشور آرزو می کنم و به انتظار نشر جلد دوم این اثر می مانیم.

جلد اول "هنر افغانستان در عرصه تاریخ" افغانستان باستان را از عصر سنگ تا آغاز ادوار اسلامی احتوا می کند و دست هر خواننده این اثر را گرفته و با استدلال و اسناد تاریخی به فراز و نشیب های این خطه و افتخارات و اکتشاف های باشنندگان این سرزمین، گام به گام به گلگشت این باغستان با ثمر، آشنا می سازد. حتی قبل از اینکه این اثر نادر و مستند به دسترس عامه قرار بگیرد و به بازار بیاید، نظریات و تبصره های که اکثر آنها مثبت بوده و این اثر را در تاریخ هنر و فرهنگ افغانستان به استناد اسناد و کشفیات باستان شناسی، بی بدیل خواننده اند، بعضی دیگر کوشش کردند به آن وجه ای سیاسی بدهند و طوری که درین اواخر بازار انکار از تاریخ و فرهنگ، انکار از مدنیت گذشته، تلاش برای هویت زدائی و تخریب گذشتگان و کوشش برای باز نویسی تاریخ پر افتخار افغانستان و انتساب همه افتخارات این سرزمین به بیگانگان گرم است، سعی دارند هر اثر و نوشته ای را در رابطه با گذشته افغانستان وجه ای قومی، منطقوی، زبانی و بدهند که ستم بزرگی است به نسل های آینده که به دستور دشمنان افغانستان و تلاش برای بیگانه ساختن نسلهای آینده با گذشته و بی باور ساختن آنها به افتخارات تاریخی، پیریزی شده است. بیشتر چنین اندیشه ها منشأ بیرونی به منظور تشدید تشنج و افتراق بین ملت با شهامت افغانستان است که طی سده ها برادر وار زندگی کرده اند، در غم و شادی همدیگر شریک بوده، از تمامیت ارضی حراست و در حفظ افتخارات شان متعهد و متحد و مدافعین راستین این سر زمین با تمام افتخارات آن بوده اند. هستند گروه های که آب به آسیای بیگانگان می ریزند و سعی دارند نقشه نه تنها افغانستان بلکه آسیای میانه و شرق میانه را هم دو باره خط کشی نمایند.

در جهان هیچ ملتی سراغ نمی شود که در پی نفی هویت و ملیت خود و تعلقانش به گذشته های کشوری باشد که هم اکنون زندگی میکند، متاسفانه این پدیده شوم در کشور ما درین اواخر نطفه نا مشروع بسته است و تعداد محدودی از خود باختگان و فروخته شدگانی که تنها بخش کوچکی از این هویت را، که متعلق به هم تباران است، قبول دارند، بقیه را مردود و متعلق به دیگران می دانند و در یک مبارزه پیگیر هویت زدائی مشغول اند.

اشتباه کلی این گروه های متعصب نژادی و قومی، و یا هر تعصب دیگر، در پهلوی رقصیدن به دهل دیگران، اینست که آنها حوزه های تمدنی قرون گذشته را با جغرافیای سیاسی امروزی تفریق کرده نمی توانند و کوشش دارند کشور ها را بر مبنای حوزه های تمدنی قرون گذشته تقسیمات و مرز بندی نمایند که امری است نا ممکن و غیر قابل تطبیق در اوضاع جهان کنونی. شکی نیست که مشترکات فرهنگی بین کشور ها و همسایه های دور و نزدیک نظر به آنچه تذکر مختصری از آن رفت، وجود دارد ولی نمی توان افتخارات و گذشته و فرهنگ غنامند یک ملت و کشور را تقسیم کرد و یا از آن انکار نمود. آنچه در محدوده سرزمین های جغرافیای سیاسی کنونی وجود داشته و آثاری که از این سرزمین ها به دست آمده، حالا در هر کجائی از دنیا که موقعیت داشته باشند، متعلق به چنین کشور ها است البته مشترکات فرهنگی و هنری به معنی انکار از حق خود و انصراف از داشته های تاریخ ملت ها نیست.

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

اشتباه دیگر این گروه ها انکار از افتخارات و سوابق و داشته های تاریخی است که متعلق به هزاران سال قبل است و چنین داشته هارا بی اثر و غیر مفید قلمداد میکنند و حتی این آثار را هم به اقوام و نژاد های به خصوص و یا ملت های دیگر مرتبط میدانند. جناب نوید به جواب یکی از چنین نظریه پردازان، معلومات مختصر ولی با محتوا و مستند ارائه کرده اند.

اعتراض یکی از وابستگان چنین گروه ها را که سوالی از جناب نوید مطرح کرده بود درینجا نقل میکنم و بعد جواب جناب نوید را اقتباس می کنم. این هم وطن ما می گوید:

"جناب نوید با عرض درود! اگر تاریخ حوزه جغرافیای منطقه را مطالعه کرده باشید هنر نمائی های که شما ذکر میکنید شامل چندین کشور امروزی میشود که بنام خراسان، قبل از آن بنام فلات آریا بی ها یاد میشد نه افغانستان بعداز سال ۱۷۴۸ میلادی که حوزه تمدنی جدا شد تا ۱۸۸۰ میلادی هنوز هم تمدن خراسانی بود چون امیران افغان بنام خراسان حکومت می کردند و نام افغانستان هیچ مطرح نبود، و انگلیسها نام این منطقه را افغانستان گذاشتند که نتیجه تمدنی آن فقط کشتار و خون ریزی و انسان کشی است. از شما که یک شخص دانشمند هستید از سال ۱۷۴۷ میلادی تا امروز ۲۰۱۸ میلادی فقط یک شاهکار تمدنی افغانستان را ذکر کنید ممنون شما میشوم با عرض احترام"

هموطن عزیز با ابراز تشکر از توجه تان به موضوع کتاب « هنر افغانستان در عرصه تاریخ » :
"مراد از نوشتن کتاب "هنر افغانستان در عرصه تاریخ" شرح آثار تاریخی و پدیده های هنری ای میباشد که در محدوده کشور کنونی افغانستان با نیروی اندیشه و قدرت تخیل هنرمندان و صنعتگران این مرزوبوم بدست توانای شان در طی زمانه ها ایجاد گردیده و بیانگرافکار، عقاید، طرز دید و شیوه زندگانی مردمان این دیار میباشد .

طوریکه مبرهن است، اسم بسی کشورهای جهان در نشیب فراز تاریخ چه در اروپا و چه در قاره آسیا تغییر خورده و وساحت اقتدار دولت ها در نتیجه پیروزی های نظامی و یا شکست قدرت های وقت گاه وسیع و گاهی هم کوچک گردیده و درسی موارد کشور های جدیدی پا به عرصه وجود گذاشته اند. بطور مثال اکثر کشورهای آسیای مرکزی مانند قزغزستان، تاجکستان، ازبکستان، ترکمنستان و بسی ممالک دیگر این ساحه بعد از جنگ جهانی دوم ظهور کردند که میراث فرهنگی بخارا و خوارزم قدیم بدانها میرسد. نام کشور همسایه ما ایران نیز در سال ۱۹۳۵ جاگزین فارس پیشین گردید. مثال دیگر درین رابطه کشور ایتالیاست که خاستگاه امپراتوری مقتدر روم باستان بود. چنانچه میدانیم پس از تجزیه این امپراتوری بزرگ به روم شرقی و غربی در سال ۵۷۳ میلادی در دوره قرون وسطی و عصر رنسانس، کشور مستقلی بنام ایتالیا در نقشه اروپا وجود نداشت تا اینکه در اثر تلاش های ملی گرایان این کشور به قیادت جوزف گریبالدی وحدت سیاسی ایتالیا در سال ۱۸۴۸ تکمیل گردید و این کشور باستانی با نام جدیدی ایتالیا در میان ممالک آزاد جهان عرض وجود نمود. اما این تغییر نام باعث آن نمیگردد تا ملت ایتالیا از میراث غنی فرهنگی خویش محروم گردد. به همین ترتیب درست صد سال پیش از ایجاد ایتالیا، احمدشاه ابدالی در سال ۱۷۴۸ میلادی در لویه جرگه تاریخی کندهار، در زیارت شیر سرخ به پادشاهی انتخاب شد. درینوقت دولت برتانیای در هند حضور سیاسی نداشت تا باعث ایجاد دولتی بنام افغانستان گردد. با توجه به تاریخ منطقه این واقعیت مبرهن میگردد که قبل از ورود برتانیوی ها در نیمه قاره هند نه تنها دولت مستقلی در افغانستان وجود داشت، بلکه ساحه آن در آغاز قرن نهم بسیار بزرگتر از افغانستان امروزی بود. یعنی از شرق تا به دهلی و از غرب تا به نواحی تهران و کرمان میرسید.

اگر به نقشه منطقه در اواخر قرن هژدهم و آغاز سده نهم نگاه بیاندازیم به وضاحت مشاهده میشود که در اثر سیاست های استعماری روسیه تزاری و بخصوص دولت برتانیای از ساحه تحت اقتدار افغانستان به تدریج کاسته شده نه اینکه کشور جدیدی مانند پاکستان از اراضی تحت تسلط برتانیای ابداع گردیده باشد. برخلاف آنچه تبلیغ میگردد که گویا انگلیسها این نام را برای افغانستان تعیین نموده اند، موجودیت سیاسی افغانستان زاده جانبازی ها و قربانی های این ملت آزاده در طی سه جنگ افغان و انگلیس است که به گواهی تاریخ در آن تمام و اقوام و اقشار افغانستان اشتراک داشته اند. دولت برتانیای آنوقت به اساس سیاست توسعه جویانه

Forward Policy « فارورد پالیسی» یا سیاست پیشروی، در حال حمله بر خاک افغانستان بود و در تضعیف هویت سیاسی آن میکوشید. بدیهیست که انگلیس ها برای ملت سازی به افغانستان نیامده بودند. ازینرو شرق شناسان و تاریخ نگاران برتانیای که در قرن نهم در هند مستقر بودند تمام پدیده های هنری پیش از اسلام افغانستان را بخشی از قلمرو فرهنگی مدنیت هند محسوب کردند و به اساس دید سیاسی خویش آثار هنری ادوار اسلامی را که از کابل تا دهلی به چشم میخورد، بنام هنر مغلی هند قلمداد نمودند. در حالیکه ظهیرالدین بابر از ماورالنهر می آمد و بعد از مصاف های خونین با محمد خان شیبانی در سمرقند از فرغانه به بدخشان آمد و در حوالی سال ۱۵۱۲ نخستین پایتخت خود را در کابل تأسیس نمود و در تزک بابری (خاطرات بابر، واقعات سال ۹۱۰، ص ۵) یک و نیم قرن پیش از ورود انگلیس ها به منطقه از نام افغانستان یاد برده. بابر بعد از پیروزی در جنگ اول پانی پت و شکست ابراهیم لودی در سال ۱۵۲۴ حکومت تیموری هند را در آگره

اساس نهاد. فرهنگ اسلامی ای که در شمال هند از عهد غزنویان تا عهد لودیان موجود بود با استقرار او در هند تقویت بیشتری یافت. درین عصر هنرمندان، شعرا و ادبای زیادی از خراسان ماورالنهر و فارس به سرزمین هند رفتند و در دربار دهلی گرد آمدند. در قرن هژدهم امپراتوری درانی جاگزین امپراتوری مغلی هند شد، اما نویسندگان قرن نوزدهم برتانیای دربررسی های خویش تحولات فرهنگی ایندوره را بصورت عام نادیده گرفته اند و تا هنوز این طرز دید در نزد بسی نویسندگان غربی وجود دارد.

در سال های ۱۸۰۸ تا ۱۸۱۵ سر جان ملکم Sir John Malcolm دیپلمات و رزیده برتانیای مؤلف گردید تا برای تأمین منافع بریتانیا در فارس و جلوگیری از نفوذ فرانسه در آن کشور با دولت قاجار روابط سیاسی برقرار کند. زیرا مستقر شدن فرانسه در خلیج فارس خطر جدی ئی را برای مستملکات برتانیای در هند ایجاد میکرد. پس از جنگ های شدید میان فرانسوی ها و انگلیس ها شکست ناپلیون بناپارت در سال ۱۸۱۵ در جنگ واترلو زمینه آنرا مساعد ساخت تا دولت برتانیای در خلیج فارس بی رقیب بماند. در همین سال سیاستمدار و رزیده انگلیس سر جان ملکم کتاب تاریخ فارس را نگاشت و کوشید تا موجودیت تاریخی افغانستان را که هنوز برای هند برتانوی خطر جدی ئی تلقی میگردید، نادیده بگیرد. متعاقب آن سرپرسی سایکس Sir Percy Sykes یکی از افسران نظامی برتانیای تاریخ فارس قدیم را به چاپ رساند و سپس ادوارد براون نویسنده برتانوی تاریخ ادبیات فارس را نوشت که درین اثر تمام شعرای فارسی زبان از رودکی سمرقندی تا غنی کشمیری را مربوط به فارس قلمداد کرد در حالیکه سبک شعری خراسانی برخاسته از زرنج و بلخ و پرورش یافته در غزنه، هرات و بخارا بود. روی این محاسبه فرضی و عمومیت پندارانه هنوز هم عده از خاورشناسان غربی و اکثر نویسندگان معاصر ایران آفریده هنری و ادبی ئی را که از فرغانه تا شیراز و از آنجا تا کشمیر ایجاد گردیده، بنام فرهنگ ایرانی و هنر فارسی یاد میکنند. نخستین کسیکه متوجه این نقیصه گردید و از هیأت باستانشناسان فرانسوی خواست تا با مطالعات علمی مستقل مدنیتهای پارینه افغانستان را در جهان معرفی دارد

اعلیحضرت امان الله خان بود، و همان بود که موزیم کابل را در سال ۱۹۲۳ اساس گذاشت و حراست از میراث های فرهنگی کشور را در نظامنامه های دولت افغانستان ساخت. در همین عصر مکتب صنایع کابل به ریاست پروفسور غلام محمد خان میمنگی متخلص به مصور تأسیس گردید. از دوره امانی تاکنون نقاشان، صنعتگران و پیکره سازان مستعدی در افغانستان ظهور نموده اند که آثار نابشان زینت بخش گالری ملی افغانستان و کشور های جهان است. در جهان کنونی حقوق فرهنگی ممالک عضو ملل متحد به اساس منشور سازمان جهانی یونسکو بنا بر موازین بین المللی محفوظ است و بازگشت آثار تاریخی به یغما رفته هر کشور، به اساس درخواست رسمی دولت آن، به نام همان کشور صورت پذیر مییابد. طوریکه خود اشاره نموده اید حوزه تاریخی خراسان، میان افغانستان و کشورهای همجوار آن تقسیم گردیده است. ازینرو حفظ میراث های فرهنگی میهن ما دیگر در زیر نام خراسان دیروز میسر نیست. بنا بر گزارش انجمن حفظ میراث های فرهنگی جهان، تاراج موزیم ملی افغانستان در میان سالهای ۱۹۹۲ و ۱۹۹۵، یغمای گنجینه های عظیم میرزکه در ولایت پکتیا به تحریک پاکستان، قاجاق سیستماتیک آثار تاریخی شهر باستانی آی خانم در ولایت تخار توسط قوماندانهای محلی، تخریب و چپاول معبد شکوهمند هده جلال آباد ذریه احزاب تندرو جهادی، و بهمین ترتیب انهدام تپه سردار غزنه و پیکره عظیم بامیان بدست طالبان، ضربات مهلکی بود که بر پیکر فرهنگ غنی زادگاه ما وارد آمد. از طرفی مقادیر هنگفت آثار منقول تاریخی افغانستان در بازارهای بین المللی در معرض خرید و فروش قرار دارد. بنا بر گزارش رسمی پولیس انترپول در حدود ۷ تن آثار تاریخی به سرقت رفته افغانستان تحت نظارت پولیس لندن است و بیشتر از ۴ تن دیگر آن توسط پولیس فرانسه حراست میگردد. این آثار ارزشمند تاریخی میراث فرهنگی و سرمایه ملی مردم ماست و بنام کشور افغانستان تسجیل و تثبیت گردیده است، ازینرو تنها به نام فعلی افغانستان به وطن برگردانده شده میتواند نه بنام آریانای باستان و یا خراسان قدیم.

در میان آثار خطی افغانستان در هراج لندن قرآن قلمی ای که با حل طلای ناب تزئین یافته و به خط نسخ تحریر شده بخاطر ظرافت کار و پختگی خط در زمره ارزشمند ترین آثار هنر اسلامی دسته بندی گردیده است. این اثر در عهد پادشاهی احمدشاه درانی در ماه رجب سال ۱۱۶۷ هجری قمری مطابق ۱۴ ماه می ۱۷۵۴ میلادی توسط کاتب حفیظ الله خطاطی و تذهیب کاری گردیده و قیمت آن به هزاران پوند سترلینگ بالغ میگردد. امید وارم که این شرح تا اندازه ئی بر موضوع روشنی افکنده باشد،

به آرزوی صحتمندی و سعادت تان

حامد نوید"

همه ای این آثار متعلق به افغانستان امروزی و به نام این کشور در مجامع بین المللی ثبت است چه از میرزکه در جنوبی کشف شده، چه از آی خانم و بدخشان و یا بلخ و پلخمیری در شمال و شمالشرق، چه از هده در

شرق و چه از بست و هرات و غور و بامیان و لوگر و قندهار و سایر مناطق افغانستان که تا همین اکنون نیز این کشفیات ادامه دارد و مثال بارز آن در کوه مس عینک است.

همانطوری که گفتیم بعضی از نو یافتگان و تنگ نظران قومی و نژادی حتی آثاری را که از این مناطق به دست آمده و به نام تاریخ و گذشته این مرز و بوم یاد می شود، هم قبول کرده نمی توانند و می گویند که این آثار باید به نام حوزه تمدنی باشد که چندین کشور را در بر می گیرد. یعنی نفی افتخارات و تاریخ افغانستان. طوری که مطالعه نمودید جناب نوید به جواب این هموطن در رابطه با تغییر نام های کشور ها در آسیا، اروپا و افریقا و سایر مناطق جهان و سوابق تاریخی آن، اسناد تاریخی ارائه کرده اند.

امر مسلم اینست که هر ملت و هر کشور میراث دار و وارث افتخارات تاریخی و فرهنگی است که آن کشور به همین نام یاد می شود صرفنظر از اینکه در گذشته ها چه نام و یا نام های داشته است. آشکار است که چنین هدفی از کجا و چگونه منشأ می گیرد. هدف ویران نمودن شیرازه های توأمیت و هم نوائی این ملت و همزیستی مسالمت آمیزی است که از سده ها به اینطرف برادر وار با هم زیسته اند. دشمنان افغانستان به خصوص همسایگان و خاصاً ایران و پاکستان تلاش دارند تا این وحدت مردم افغانستان را خدشه دار سازند تا به آسانی بتوانند اهداف ستراتیژیک و منافع نامشروع شان را به دست آورند.

"هنر افغانستان در عرصه تاریخ" جواب منطقی و مستدل به آنانی است که نگاهی اغراض گونه به تاریخ و فرهنگ و افتخاراتی دارند که متعلق به افغانستان است و به کسانیست که مذبحخانه سعی دارند افتراق و نفاق را ایجاد نمایند از هر منشأ و مرجع و نهاد و از هر قماش و تبار و مذهب و زبان و قوم و از هر منطقه ای که باشد.

ملت افغانستان دارای هویت است به این هویت باید بالید بحران هویت را دست نشانندگان و اجیران بیگانگان می خواهند خلق کنند تا با پارچه ساختن و از هم جدا ساختن اقوام شریف و برادر، زمینه تضعیف دولت و ملت را فراهم سازند. کشور های نو بنیادی مثل پاکستان که به گفته احمد رشید ژورنالیست و نویسنده پر توان پاکستانی مواجه با "بحران هویت است"، در تلاش اند تا چنین خلائلی در افغانستان تولید نمایند. این اثر جناب نوید است که جوابگوی نیات شوم این همسایگان بد سگال و کسانی است که سنگ افتراق و شقاق را به سینه می زنند.

پایان